



اهمیت و چگونگی حفاظت و نگهداری از آثار باستانی و ابنیه تاریخی

زینب مقدسی جهرمی

کارشناس ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه آزاد بوشهر
باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Zeinab_moghaddasi@yahoo.com

چکیده

شناسنامه هر کشوری آثار باستانی و میراث فرهنگی آن است. آثار باستانی است که قدمت، تاریخچه و تمدن هر سرزمینی را مشخص می کند؛ پس حفاظت و حراست از آنها امری ضروری است و نسلهای مختلف نیز چون پیشینیان باید از این میراث اجدادی پاسداری کنند. موزه ها، باغ های ملی، عمارتها و کاخ ها محل مناسبی برای نگهداری پاره ای از این آثار می باشند. کشور ما ایران نیز در رده های اول دارنده آثار باستانی و ابنیه های تاریخی و فرهنگی در جهان می باشد و دارای کهن ترین فرهنگ و تمدن جهان است ما نیز چون کشورهای دیگر جهان وظیفه صیانت از این میراث پدیری را داریم. در این پژوهش به بررسی اهمیت و چگونگی حفاظت از آنها می پردازیم.

کلمات کلیدی: آثار باستانی، میراث فرهنگی، حفاظت، ابنیه تاریخی



1- مقدمه

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در عصر حاضر که دوران مبارزه با آلودگی‌های زیست محیطی است، یک ضرورت حیاتی است. انجام چنین کاری منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار زیادی دارد که به عنوان عاملی مؤثر نقش خود را در ایجاد و برقراری توسعه پایدار ایفا می‌کند. بهره‌برداری از منابع طبیعی گرچه آثار منفی دارد و موجب تخریب محیط زیست می‌گردد، اما نمی‌توان آن را متوقف نمود، بلکه باید با پذیرش نظام خاصی از اخلاقیات با آن برخورد نمود. بدین سان می‌توان تا حد ممکن از وارد آوردن آسیب به محیط زیست و جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی موجود در آن جلوگیری کرد.

تاکنون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی بیشتر به عهده کشورهای بوده که چنین ثروتهایی را در اختیار داشته‌اند، ولی پس از تصویب مقاله‌نامه‌ای با عنوان میراث جهانی، شامل ثروتهای فرهنگی و طبیعی که از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و ارزش جهانی کسب کرده‌اند، به جوامع بین‌المللی این امکان داده شده است تا در حفظ عناصر آن همکاری کنند. محیط زیست و میراث فرهنگی و طبیعی که هدیه الهی به بشر است به عنوان اندوخته‌های بارور و موزه‌های ماندگار و زنده برای انسان تشنه و حریص است، انسان مصرف‌کننده، سازنده و مخرب که سالهای متمادی همزیست با آن است، و اینک بیش از هر زمان دیگر به ارزش و اهمیت آن پی برده و برای حیات خود ناگزیر به حفاظت آن است و زمانی خواهد توانست به رشد و توسعه‌ای موزون، هماهنگ و پایدار دست یابد که با برنامه‌ریزیهای آگاهانه و عالمانه خود در حفظ و نگهداری آن بکوشد.

میراث فرهنگی و طبیعی بیان‌کننده پیشینه تاریخی، تمدن و فرهنگ و جاذبه‌های طبیعی هر کشوری است که شکل‌گیری و به وجود آمدن آن در طی سالیان متمادی صورت گرفته است. نیروها و عواملی که پدیدآورنده این‌گونه آثار طبیعی و انسانی هستند در طول زمان و در شرایط مکانی خاص خود عملکردهای متفاوتی داشته‌اند و آنچه که ما امروزه شاهد آن هستیم و تحت عنوان میراث طبیعی و فرهنگی از آن نام می‌بریم در بعد طبیعی آن حاصل تأثیر عوامل طبیعی بر یکدیگر و دخل و تصرفات عوامل انسانی بر آنها است که چشم‌اندازهای متنوعی را به وجود آورده است و به لحاظ داشتن ویژگیهای خاص خود از دیگر پدیده‌های طبیعی متمایز است. این‌گونه پدیده‌ها در گذشته‌های دور نیز در گوشه و کنار کشورهای مختلف جهان وجود داشته ولی مطالعات چندانی بر روی آنها صورت نگرفته و در دهه‌های اخیر با پیشرفتی که در همه علوم حاصل شده است پژوهشگران علوم زمین به اهمیت آنها پی برده و کار مطالعاتی خود را در مورد بررسی، شناسایی و معرفی آنان به جهانبیان شروع کرده‌اند. پژوهش در مورد چنین پدیده‌هایی به قدری حایز اهمیت است که یونسکو از این‌گونه آثار تحت عنوان میراث طبیعی نام برده و کلیه کشورهای جهان را بر آن داشته است که در حفظ و حراست از آنها بکوشند، زیرا این پدیده‌های طبیعی فقط متعلق به یک کشور خاص نیست، بلکه متعلق به کره خاکی است و کره خاکی نیز زیستگاه تمامی مردم جهان است و در صورتی که به محیط زیست آسیبی وارد شود، بازتابهای این آسیب را تمامی انسانها احساس خواهند کرد.

2- اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی

حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی برای تعادل بخشیدن به حیات انسانها و دستیابی به توسعه پایدار و سازمان‌یافته، که روند تکامل تمدن بشری را در پی خواهد داشت، از چنان اهمیتی برخوردار است که یک بسیج عمومی، جهانی، دولتی و مردمی را می‌طلبد. مردم باید محیط‌های طبیعی و فرهنگی را به عنوان نهاد همبستگی معنوی در اجتماعات محلی خود تلقی کنند و بپذیرند که همان‌گونه که با انهدام و تخریب محیط طبیعی زندگی بشر به خطر می‌افتد، ویرانی میراث فرهنگی



و تاریخی نیز زندگی معنوی را به مخاطره می‌افکنند. امروزه در تمامی کشورها اهمیت حفاظت از محیط زیست که میراث طبیعی و فرهنگی در آن جای گرفته بر همگان روشن است.

افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش مصرف انرژی، افزایش دمای کره زمین، تخریب جنگلها و مراتع، از بین رفتن گونه‌های متفاوت گیاهی و حیوانی، بیابانزایی و پیشروی کویر، کاهش ذخایر آبهای زیرزمینی، شور شدن آبهای سطحی، فرسودگی و انهدام بناهای تاریخی و آثار فرهنگی، بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و رها کردن انواع آلاینده‌ها در محیط زیست (زباله‌های اتمی، بیمارستانی، کارخانه‌های صنعتی) و مصرف بیش از حد سموم و مواد شیمیایی آثار زیانبار و خسارات جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد.

باید به دقت بر روی آثار به جای مانده از گذشتگان که امروزه ما امانت‌دار آن هستیم، تأمل کنیم و آنها را بشناسیم و ضمن حفاظت، مرمت و نگهداری آنها، با ارائه طرح‌های نو، به ایجاد آثار جدید اقدام بنماییم به طوری که تفاوتی با آثار پیشینیان ما داشته باشد، زیرا اگر امروزه چنین کاری انجام نشود، نسل حاضر نمی‌تواند چیزی را به آیندگان بسپارد.

اعتقادات دینی و ملی و فرهنگی ما نیز توجه خاصی به خلاقیت، ابتکار و حفظ و نگهداری میراث زیست محیطی و آثار فرهنگی دارد. روند تخریب منابع طبیعی، آلودگی‌های زیست محیطی، از بین رفتن آثار فرهنگی و یادمان‌های تاریخی، توسعه موزون را در یک کشور به توسعه ناهماهنگ سوق می‌دهد. بنابراین ضرورت انجام کار کاملاً احساس می‌شود و وظیفه کلیه دست‌اندرکاران اعم از سیاستگذاران، مدیران اجرایی، پژوهشگران، استادکاران و هنرمندان است که به طور واقع‌بینانه و آگاهانه به مسائل مربوط به میراث فرهنگی و طبیعی و حفاظت آنها برای دستیابی به توسعه پایدار در کشورهای خود بپردازند و نهایت تلاش و کوشش خود را در راه رسیدن به اهداف مورد نظر بنمایند.

آثار مادی و معنوی به جامانده از پیشینیان ما حاصل تلاش‌های مستمر، فنون، مهارت‌ها، ابتکارات، خلاقیت‌ها و برخوردهای اجتماعی فرهنگی آنان بوده است. ناگفته نماند که در ابداع این گونه آثار، گذشتگان ما از شرایط طبیعی حاکم در محل سکونتشان تأثیر پذیرفته‌اند و در ارتباط با آنچه که محیط طبیعی در اختیارشان قرار داده فعالیت می‌کرده‌اند. مسافرت‌های تجاری و جابه‌جایی کالا، همچنین مهاجرت استادکاران از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر و یا از محلی به محل دیگر، خود موجب تبادل اطلاعات و کسب تجربه برای آنان شده و موجب پیدایش نوآوریها گردیده است که با عناوین مختلف از آنها نام برده می‌شود و امروزه بدان میراث فرهنگی می‌گویند. میراث فرهنگی شامل تمدن‌های باستانی و ویژگی‌های خاص آنها مثل عادات محلی، آداب مربوط به خوراک و پوشاک، سبک‌های معماری، موسیقی، هنر، زبانهای محلی و ارزشهای اخلاقی و معنوی است. میراث فرهنگی حافظه جمعی یک ملت است و می‌توان آن را توسعه داد، همان گونه که انسان با طبیعت در رابطه است و به منظور رفع نیازهای خود در محیط دخل و تصرف می‌کند و طبیعت نیز در محیط‌های انسانی تأثیرگذار است، در نتیجه آثار به جای مانده از انسان و پدیده‌های موجود نیز در ارتباط با هم عملکرد داشته و نمی‌توان آنها را به طور مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

بنابراین میراث طبیعی و فرهنگی نه تنها جدای از یکدیگر قابل بحث و بررسی نیستند، بلکه در کنار هم و با تأثیرپذیری از یکدیگر توانسته‌اند چشم‌اندازهای متفاوت و متنوعی را به وجود آورند. از طرفی بین ویژگی چشم‌اندازهای طبیعی و تداعی معنوی رابطه نزدیکی وجود دارد، به بیان دیگر دیدگاه قدیمی درباره رابطه جدا نشدنی زمین و روح این نظریه را تقویت می‌کند که میراث طبیعی و فرهنگی در یک مجموعه پیوسته وجود دارند، این مجموعه که در محیط‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یافت می‌شوند از چنان اهمیتی برخوردارند که تأمل، بررسی و تحقیق در مورد آنها، راه‌حل‌های ممکن را برای دستیابی به توسعه پایدار فراهم می‌سازد. یکی از مهمترین پیش شرط‌های تحقق توسعه پایدار در هر جامعه‌ای موقعیت فرهنگی آن جامعه است. امروزه تمدن هر کشوری بر پایه فرهنگ مردم آن استوار است. فرهنگ نیز



مجموعه به هم پیوسته‌ای از ارزشهای مادی و معنوی است و محیط هم در مقابل آن تأثیرپذیر است. به یقین هویت فرهنگی افراد یک جامعه نیز تحت تأثیر محیط پیرامون آنها شکل می‌گیرد و تأثیر عوامل محیطی را در شکل‌پذیری فرهنگ یک جامعه نمی‌توان نادیده گرفت.

فرهنگ نشان‌دهنده حرکت و پویایی جوامع انسانی است. فرهنگ رابطه عادلانه بین انسان و طبیعت است. فرهنگ آگاهی فرد از شخصیت خود به عنوان یک موجود متفکر و دارای اندیشه و آگاهی از روابط خود با دیگران در جامعه و با محیط طبیعی است. انسان فرهیخته هم فردی است که موقعیت و جایگاه خود را در می‌یابد و حقوق دیگران را محترم می‌شمارد. فرهنگ ادراک شخصی هر فرد از زندگی روزمره خود است که با گذشت زمان و از طریق آموزش و کسب تجربه شکل آن تکامل می‌یابد، «توسعه فرهنگی نیز از حقوق و تعهدات تمامی ملت‌هاست. همه فرهنگ‌ها ضمن تنوع و پراکندگی بسیار زیاد و تأثیرات متقابلی که بر یکدیگر دارند، بخشی از میراث مشترکی را می‌سازند که به تمامی نوع بشر تعلق دارد. عوامل محیطی نیز که در طرز تفکر و نگرش انسانها مؤثر واقع می‌شوند، زمینه شکل‌گیری فرهنگ‌ها را در این رابطه به وجود می‌آورند که از محیطی به محیط دیگر متفاوت است. از این رو در شکل‌گیری فرهنگ‌ها عوامل محیطی و انسانی به‌طور مشترک ایفای نقش می‌کنند. به عبارتی فرهنگ نوعی رفتار با طبیعت است و تقویت هویت فرهنگی نیز گویای این نکته است که رابطه بین انسان و طبیعت یک مسأله فرهنگی است و از توجه به محیط طبیعی ناشی می‌شود و چون بین تولید مادی، خلاقیت هنری، ارزشهای معنوی و ارتباط با طبیعت پیوندی اساسی وجود دارد، حفاظت از محیط زیست که عاملی برای توسعه پایدار محسوب می‌شود، می‌باید در قلمرو سیاستهای فرهنگی صورت گیرد و مدیریت بر منابع طبیعی نیز باید بر مبنای ارزشهای فرهنگی استوار باشد. توسعه کامل هم زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی با هم مرتبط باشند و به این ترتیب حفظ شوند. لازمه تحقق این هدف داشتن اخلاق زیست محیطی برای تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور و در مقیاس جهانی، کره زمین است. اخلاق زیست محیطی رفتار مطلوب بشری نسبت به محیط زندگی او اعم از محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است» و در صورتی که افراد یک جامعه چنین خصوصیتی داشته باشند، شرایط لازم برای توسعه پایدار فراهم خواهد شد. بنابراین بین فرهنگ و توسعه پیوند عمیقی وجود دارد و جدایی این دو از یکدیگر موجب خسارتهای زیادی خواهد شد. امروزه رشد مادی ناشی از توسعه به‌بهای خرابی و از بین رفتن محیط طبیعی حاصل شده است. این رفتار نوع بشر است که با از بین بردن برخی از سنت‌های فرهنگی خود به محیط زیست آسیب رسانده است. هرچند که امروزه به واسطه آثار و تبعات توسعه مادی با انهدام محیط زیست روبه‌رو هستیم ولی با پذیرش اخلاق زیست محیطی و تثبیت نوع خاصی از اخلاقیات نظری که بتواند بعد فرهنگی را تقویت کند، آثار منفی توسعه بر محیط زیست کاهش خواهد یافت و فقط از طریق توسعه فرهنگی است که می‌توان از محیط و تمامی ابعاد آن به بهترین شکل محافظت نمود. به محض تحقق چنین امری محیط نیز به سهم خود سبب گسترش ارزشهای فرهنگی می‌شود. ارزشهایی که می‌توان آنها را با توجه به مناسبات بین انسان و طبیعت و نظارت بر پیشرفت فنی در فرآیند توسعه ادغام نمود. برای بسیاری از مردم واژه توسعه تداعی وجود اقتصاد در حال رشد، فن‌آوری پیشرفته، صنعت بدیع، کشاورزی سودآور و صلح و آرامش پایدار است که انگیزه ثروت مادی است، در حالی که هدف، دستیابی به رشد و توسعه‌ای بسامان، متعادل و است که در برگیرنده تمام جنبه‌های زندگی و مهمترین آنها برقراری عدالت اجتماعی است. «توسعه باید بر محیط طبیعی و محیط اجتماعی اثر مثبت داشته باشد و سلامتی جسمی و روحی انسانها را تضمین کند. سلامت عبارت از وضعیت پایدار از خوب بودن در بوم‌سازگان‌های (اکوسیستم‌های) پایدار، در جهان پایدار است. انسان سالم را باید در محیط زیست سالم جست‌وجو کرد. محیط زیست سالم را هم انسان سالم می‌سازد». بنابراین یکی از اهداف توسعه پایدار، ساختن انسانهای سالم و اعتلای کیفیت زندگی است. انسانهایی با جسمی سالم و استوار، اندیشه‌ای پویا و روحیه و روانی شاد و توأم با رضایت خاطر مد نظر



است، از این جهت برای حفظ خودمان باید به طبیعت احترام بگذاریم و برای حفظ خودمان باید همه فرهنگها را محترم شماریم. توسعه اقتصادی، فنی، اجتماعی تنها در صورتی تحقق خواهد یافت که محیطهای طبیعی، فرهنگی و خانوادگی موجود نیز مورد توجه جدی قرار گیرند. باید روحیه عدالت خواهی و همبستگی ارزشهای فرهنگی تمام جوامع را محترم شمرد. پیشرفت اقتصادی به هیچ قیمتی نباید بر اخلاقیات و عدالت اجتماعی غلبه کند. وظیفه هر فردی از جامعه نیز باید در مترادف ساختن توسعه و فرهنگ باشد.

«اصولا وقتی که شهروندان درباره جهان اطراف خود چیزهای بیشتری یاد می گیرند و هر یک از آنها در زمینه فعالیتهای مورد نظر، بخشی از فرهنگ جهانی می شوند و وقتی که شهرنشینان فرهنگ خود را غنی می سازند آنگاه نسبت به لزوم حفظ محیط طبیعی و اجتماعی هوشیار می شوند.» بنابراین برای حفظ بنیانهای جامعه، افزایش آگاهیهای عمومی ضروری است، تا بتوان کیفیت زندگی و توسعه فرهنگی را بهبود بخشید. از طریق آموزش و تعمیم روشهای ارتباطی نیز توسعه فرهنگی تقویت خواهد شد و این امر به سهم خود کمک خواهد کرد تا از محیط زیست بهتر حفاظت شود و شرایط توسعه پایدار فراهم آید.

توسعه پایدار باید بتواند راهبردها و ابزار لازم را برای رفع نیازهای اساسی انسان فراهم سازد. تلفیق حفاظت و توسعه، دستیابی به عدالت اجتماعی، حفظ یگانگی بوم شناختی و تنوع فرهنگی از اساسی ترین این نیازهاست. در سطح اجرایی می توان برای توسعه پایدار چهار بعد به هم پیوسته را باز شناخت. ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی که با هم مرتبط و به طور نسبی بر یکدیگر تأثیر گذارند. برای اینکه توسعه در درازمدت پایدار باشد باید بین این چهار بعد تعادل وجود داشته باشد. آنچه که در مفهوم توسعه پایدار اهمیت دارد و به عنوان یک ضرورت باید از آن نام برد، این است که توسعه پایدار بر همبستگی میان نسلها تأکید دارد، مبتنی بر آینده نگری است و به آیندگان می اندیشد، از امکانات موجود در حد نیاز و بر حسب ضرورت استفاده می کند و با تأکید بر بعد فرهنگی اظهار می دارد، کره زمین و منابع طبیعی موجود در آن فقط متعلق به یک نسل نیست، بلکه آیندگان نیز باید به نحو مطلوب و عادلانه از آن بهره جویند. از این رو اخلاق زیست محیطی حکم می کند که نسل کنونی بیش از حد در منابع طبیعی و حیاتی کره زمین دخل و تصرف نکند، بلکه در حد نیاز از آن بهره برداری کند و این امانت را که از گذشتگان به ما رسیده است با شرایط مطلوب به آیندگان بسپارد. آنچه که اکنون در اکثر کشورهای جهان مشاهده می شود این است که روابط و فعالیتهای اقتصادی انسانها بر روابط اجتماعی و فرهنگی آنان حاکمیت دارد و معیار و ارزش گذاری انسانها عوامل مادی است. در چنین جوامعی بحث توسعه پایدار به نتیجه ای نخواهد رسید و نه تنها تحقق نخواهد یافت، بلکه آینده آن جوامع را نیز به سوی بحران و نابسامانی سوق خواهد داد.

پس، از هم اکنون با تکیه بر ارزشهای والای انسانی و هویت فرهنگی افراد هر جامعه باید از توانمندیهای آنان به عنوان نیروهای کارآمد در جهت ایجاد عوامل مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار استفاده نمود. بی تردید ادامه حیات طبیعی، متناسب و منطقی هیچ جامعه یا ملتی بدون رعایت اصول و مبانی حاکم بر فرآیند اقتصاد فرهنگی نیست، اقتصاد فرهنگی ذاتا نیازهای جوامع انسانی را تأمین خواهد نمود. منظور از اقتصاد فرهنگی آن دسته از فعالیتهایی است که انسانها در محیط زیست خود بر پایه معیارها و بنیانهای اصولی و اعتقادی، با در نظر گرفتن ارزشهای معنوی و مادی به انجام می رسانند در اقتصاد فرهنگی هدف برقراری عدالت اجتماعی انسانها با یکدیگر و با محیط زیست خودشان است و به این اصل اعتقاد دارند که محیط زیست اعم از طبیعی یا انسانی خاستگاه اصلی و مداوم توسعه است. از این رو «اولین گام در فرآیند توسعه پایدار، شناسایی محیط زیست طبیعی و حفاظت از آنچه که در آن نهفته، یعنی میراث طبیعی و فرهنگی است. خاصه اینکه ما اکنون در جهانی زندگی می کنیم که با اوایل قرن



حاضر بسیار متفاوت است. توسعه شهرنشینی و گسترش بی‌رویه و نابسامان شهرها، عدم توجه به مکان‌یابی صحیح تأسیسات صنعتی، آلودگی‌های زیست محیطی، خصوصتها و جنگهای مصلحانه و گسترش بدون برنامه گردشگری تهدیدی برای میراث فرهنگی و طبیعی است. ریشه اقدامات دفاعی از میراث فرهنگی مانند اقداماتی که برای ممنوعیت معاملات قاچاق و خلاف قانون آثار هنری و گنجینه‌های معماری طراحی شده‌اند، در هوشیاری گسترده جامعه و آگاهی از مسائل روز نهفته است و به این دلیل است که آموزش و اطلاعات در بسیج عقاید عمومی نقش قاطعی را ایفا می‌کند و لازم است همه منابع فنی، سنتی و فن‌آوری‌های جدید را برای حفظ میراث، فرهنگی و طبیعی به کار گرفت تا به این میراث حیاتی مجدد بخشیده شود. در فرهنگ توسعه پایدار نیز هدف این است که میراث طبیعی و فرهنگی آسیبی وارد نشود. از این رو مراقبت از میراث طبیعی و فرهنگی بخش لازم یک سیاست فرهنگی است. «دولت‌ها برای حفظ میراث فرهنگی و طبیعی خود باید به اقدامات لازم مبادرت ورزند، به خصوص در جاهایی که به واسطه غفلت، آداب و رسوم و سنن شفاهی در معرض خطر و نابودی تدریجی است و عمل به این سنن کاملاً در حال منسوخ شدن است. وقتی که انسانها و جوامع به تحسین و قدردانی از زیبایی مناظر طبیعی، حیات نباتی و حیوانی، اماکن باستانی، خانه‌های قدیمی، نقاشیها و مجسمه‌های زیبا، موسیقی، فرهنگ و ادبیات عامه و نظایر آن بپردازند، در آن صورت طرفدار سرسخت محافظت نیز خواهند شد. پیدایش این روحیه نتیجه طبیعی پیوند نزدیک بین زیبایی، فرهنگ، محیط، هنر، طبیعت و میراث به جامانده از گذشتگان است که باید به تقویت آن پرداخت.

3- بررسی نگهداری از میراث فرهنگی در عرصه جهانی

یکی این که سابقه تمدن و هنر در دنیا مورد علاقه و توجه بسیاری از مردم است، خصوصاً ملت‌هایی که از حیث تمدن و صنعت جلوتر هستند، بیشتر به این نکته دلبستگی دارند، که بدانند و بفهمند که ریشه هر یک از مظاهر زندگی از چه زمان بوده، و در کدام محل نشو و نما یافته است.

عامل دوم، اهمیت آثار باستانی از نظر جنبه معنوی و وارستگی است. که روح بشر بر اثر گرفتاری‌های مادی تشنه آن است، و روز به روز هم بیشتر نیازمندی خود را به تسکین التهاب و هیجان روحی که بر اثر زندگی سراسر مادی و ماشینی کنونی برای او فراهم گردیده است، احساس می‌کند، و ذوق زیبا شناسی و زیباپرستی هم بیشتر به این احساس دامن می‌زند. و از طرف دیگر بناهای تاریخی که در شهرهای مختلف هستند بهترین عامل زینت و زیبایی همان شهر بوده و در حکم قباله و سند تاریخ آنجا محسوب می‌شود

هر منطقه و کشوری باید پدیده‌های اجتماعی خاص خود را که در آنها رسوم گذشته باقی مانده است، حفظ نمایند. متأسفانه در خیلی از کشورها رسوم ملی کنار گذاشته شده‌اند، افسانه‌ها در حال از بین رفتن هستند و خانواده‌هایی که قبلاً به طور محکم به هم پیوسته بودند اکنون در حال از هم گسستن هستند، گرچه بعضی از سازمانهای دولتی و غیر دولتی علاقه‌مند به حفظ میراث فرهنگی، تلاش می‌کنند فرهنگ و سنت‌های جامعه را بهتر بشناسند و در صدد احیای آن برآیند، اما به لحاظ بی‌اطلاعی نسلهای کنونی از ارزش و اهمیت میراث فرهنگی و کم‌توجهی دولتها به این امر مهم سبب شده است این گونه آثار و ارزشهای مادی و معنوی در معرض خطر نابودی قرار گیرند و کم‌اهمیت جلوه داده شوند. اکنون محافظت از میراث فرهنگی را از نظر قانونی، کنوانسیون لاهه و حفظ جایگاههای طبیعی و فرهنگی را کنوانسیون میراث جهانی بر عهده دارد. «مهمترین کارهای کنوانسیون میراث جهانی، پیوند میراث فرهنگی و طبیعی است. کنوانسیون پاسخگوی نیاز



جهانی برای حفظ آن دسته از دارایی‌های طبیعی و فرهنگی است که متعلق به تمامی انسانهاست و میراث جهانی را تشکیل می‌دهد. کنوانسیون در حالی که به ضرورت اختیارات مستقل دولتهای ملی احترام می‌گذارد، اعضا را تشویق می‌کند که بر حفظ میراث فرهنگی و طبیعی خود متعهد شوند. کنوانسیون به علت تأکیدی که بر حفظ و ارائه جایگاه میراث جهانی برای نسلهای حال و آینده دارد می‌تواند برای پیشبرد توسعه پایدار، کمکهای مؤثرتری به کشورهای جهان بنماید. یکی از نقاط مهم کنوانسیون میراث جهانی که تا امروز به‌طور جدی به کار گرفته شده، نقشی است که در بالا بردن میزان آگاهی مردم از اهمیت میراث جهانی ایفا می‌کند. برای پیگیری اهداف حفاظتی و مراقبت مطلوبتر، کوشش زیادی از سوی برخی طرفهای ذی‌نفع از جمله یونسکو، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت مرکز مطالعات بین‌المللی برای حفاظت و بازسازی اموال فرهنگی و شورای بین‌المللی یادمان‌ها و جایگاهها در دست انجام است و در این زمینه کارهای بسیاری باید صورت گیرد. تعیین معیارهای بین‌المللی حفاظت هنوز در دست بررسی است و باید از سوی کمیته میراث جهانی به‌طور رسمی تأیید شود، مرحله بعد آموزش و تربیت مسؤولانی برای مدیریت جایگاههای میراث جهانی و بازدیدکنندگان این جایگاههاست و آن وقت است که کمیته میراث جهانی قادر خواهد بود دولتهای ملی را به گونه‌ای عینی مسؤول مدیریت جایگاههای میراث جهانی بشناسد. باید به مناسبات میان حفاظت و توسعه توجهی درخور شأن و ارزش و اهمیت آنها ابراز شود. مقتضیات میراث فرهنگی و طبیعی را باید از همان نخستین مراحل برنامه‌ریزی اقتصادی و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در سطوح منطقه‌ای و ملی در نظر گرفت و از این طریق می‌توان تا حدی تضمین کرد که مسؤولان و دست‌اندرکاران میراث طبیعی و فرهنگی با رعایت کامل ارزشهای فرهنگی از شرایط لازم برای دستیابی به نتایجی مناسب که از لحاظ اقتصادی کارسازند، برخوردار شوند. بنابراین باید به این واقعیت پی برد که اگر بخواهیم به توسعه‌ای پایدار، موزون و عادلانه دست یابیم می‌بایست، اقدامات زیادی را در سطوح ملی و جهانی انجام دهیم و این کار مستلزم یک سیاستگذاری واقع‌بینانه و عالمانه و همکاری تمامی ارگانهای دولتی، سازمانها، مراکز علمی و پژوهشی، بخش خصوصی و نیروهای کارآمد مردمی است.

4- نقش موزه‌ها در حفاظت و نگهداری اشیاء باستانی

مجموعه‌های تاریخی- فرهنگی و موزه‌ها همچون شناسنامه، نشانگر هویت تاریخی و ملی ماست که فقدان آنها غیرقابل جبران است.

موزه‌ها و آثار فرهنگی و تاریخی تنها برای بازدید و گذران اوقات فراغت و آموزش کاربرد ندارند بلکه اینگونه اماکن، محل مناسبی هستند برای حفاظت و حراست علمی از نفایس بی‌بدیل هنری و اسناد، مدارک و اشیای علمی و فرهنگی که جمله آنها فریافت‌های بازمانده از پیشینیان و نیاکان ماست که بر اثر مراقبت آنان، امروز، در دسترس ما قرار گرفته‌اند. در باستانشناسی، برای نگهداری از اینگونه نفایس فرهنگی ارزشمند از روش‌هایی که در علم حفاظت تعریف شده، استفاده می‌شود تا به مدد آن از خطر نابودی و دستبرد و حتی تخریب در امان بمانند. همچنین دانش حفاظت، به مرمت اشیای آسیب دیده نیز پرداخته و با بازپیرایی آن اشیاء و آثار معماری تا سرحد امکان به صورت آغازین درخواهند آمد و شاید در طولانی شدن عمر اینگونه آثار نفیس هم مؤثر باشد.

پژوهشکده حفظ و احیاء و مرمت در حال حاضر وظیفه انجام این امور را دارد. اهمیت حفاظت و مراقبت از آثار، قابل چشم‌پوشی و کتمان نیست و کار نمایش و عرضه آنها در موزه‌ها و سایت‌های باستانشناسی بدون انجام این امر مقدور نیست. معمولاً حفاظت اموال و اشیای فرهنگی و آثار تاریخی- ملی به سه صورت انجام می‌شود: حفاظت فیزیکی، حفاظت فنی و حفاظت قانونی.



● حفاظت فیزیکی

به منظور حفاظت بافت قدیمی ابنیه و آثار معماری و نیز اشیای موزه‌های اینگونه حفاظت صورت می‌گیرد، به ویژه در گنجینه‌ها و موزه‌ها امکاناتی را فراهم می‌آورند تا آثار درون موزه‌ها از ایمنی کامل برخوردار شوند؛ بهره‌گیری از شیشه‌های چندجداره، قفل‌های ویژه، گاوصندوق‌های مطمئن، ویتترین‌های مناسب با وسایل مجهز. همچنین از لحاظ احداث ساختمان موزه هم جنبه حفاظتی بنا کاملاً باید از پیش طراحی و به‌طور کالبدی در موزه نصب شده باشد از جمله آنها امکانات و ابزارهای ایمنی و سیستم‌های الکترونیکی و الکتریکی در داخل موزه و تدارک نیروهای انسانی و آموزش‌دیده برای حراست و نگهداری بیرون ساختمان موزه و نگهداری ویژه جهت مراقبت از اشیای داخل موزه‌ها است. در مورد امکان تاریخی- فرهنگی هم از طریق پایگاه‌های حفاظتی، پاسداران مربوطه اعزام و در مراقبت از اینگونه آثار همت می‌گمارند.

● حفاظت فنی

در به نمایش گذاردن و عرضه اشیای موزه‌ای، چنانچه همه جوانب کار در نظر گرفته نشود زیانبار خواهد بود. نمایش اشیای موزه‌ای هر چند موجبات جلب توجه بازدیدکنندگان را فراهم می‌آورد، لیکن بدون توجه به روش‌های مناسب حفاظت فنی، اغلب در نمایشگاه‌ها و ویتترین‌های تعبیه‌شده شرایطی را ایجاد می‌کند که منتهی به ویرانی آثار می‌شود و همین امر در خصوص آثار تاریخی هم صدق می‌کند که نتیجه عدم مراقبت‌های فنی لازم در مورد اشیا و آثار است. به همین منظور جهت حفظ و نگهداری از اموال فرهنگی- تاریخی و اشیای موزه‌ای کلیه اقدامات فنی نظیر ایجاد آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و حفاظتی و بازپیرایی آثار و نیز تجهیز این ساختارها به دستگاه‌های پیشرفته برای جلوگیری از انهدام اموال و مرمت بخش‌های مختلف آثار تاریخی- فرهنگی و اشیای موزه‌ای لازم و ضروری است.

خطراتی نظیر تاثیر آب و هوا، رشد نباتات و حشرات موذی، عوامل طبیعی نظیر سیل، زلزله، باران‌های شدید در آثار تاریخی و رطوبت و دمای نامناسب تنها بخشی از حلقه بی‌پایان تجزیه و ترکیبی است که ناچاراً روی زمین رخ می‌دهد و اشیا و اموال منقول و غیرمنقول و حتی ساختمان‌های قدیمی را که در معرض آنها قرار می‌گیرند آسیب‌پذیر ساخته و آنها را به خطر می‌اندازد. از جمله مواردی که در مقابل اینگونه خطرها زودتر آسیب می‌بینند عبارتند از: چوب، فلزات مختلف، کاغذ، گچ، آجر و بالاخره مواد رنگی.

نگهداری و حفاظت از این آثار نیاز به داشتن اطلاعات فنی دارد که به دانش و علم حفاظت مربوط می‌شود که امروزه به صورت شاخه‌های جدیدی از علوم و مهارت‌ها در دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود و آموزش‌های لازم را در خصوص نگهداری بناها و اشیای موزه‌ای چه در تالارها و چه انبارهای موزه نسبت به میزان رطوبت، مقدار نور، نوع نور خشکی و برودت هوا و... خواهند داد که در کل انجام کلیه کارهای مربوط به این امور را حفاظت فنی می‌گویند. علاوه بر این در خصوص نگهداری از آثار تاریخی- فرهنگی هم، روش‌های علمی مناسب تا نوع بنا و سایت‌های تاریخی و تپه‌های باستانی آموزش داده می‌شود تا در عمل مورد استفاده قرار گیرد زیرا حفاظت از اموال فرهنگی- تاریخی نیز از وظایف متولیان امر بوده و تاکنون جنبه بین‌المللی هم پیدا کرده است.



5- نتیجه گیری

حراست از میراث فرهنگی مساوی با صیانت از فرهنگ و تمدن هر سرزمین است. میراث فرهنگی و طبیعی از جمله عواملی هستند که به طور مشترک و در کنار عوامل دیگر می‌توانند سهم مؤثری در پیشبرد تاریخ هر کشوری داشته باشند. لذا برای ایفای نقش خود به طور مستمر ضرورت حفاظت آنها کاملاً مشهود است. بحران محیط زیست در سطح جهانی خسارات جبران‌ناپذیری به بار آورده است. بحرانی که شاید نتوان راه‌حلی برای آن پیدا کرد، ولی آنچه مسلم است سیاست‌گذاری واقع‌بینانه اداره‌کنندگان جهان و دولتمردان کشورها، نهادهای مدنی به ویژه سازمانهای غیر دولتی، به همراه توانمندیهای تخصصی اندیشمندان و صاحب‌نظران خواهد توانست از میزان بحرانهای موجود بکاهد و مانع از تشدید آن شود. ضمن اینکه آگاه‌سازی جوامع نیز در خصوص اهمیت حفاظت و نگهداری از محیط زیست و میراث ارزشمند فرهنگی و طبیعی موجود آن به این مسأله کمک خواهد کرد. امروزه تداوم حیات فرهنگی و اجتماعی انسانها در صورتی امکان‌پذیر است که به اهمیت زیستگاههای خود پی برده و در نگهداری چشم‌اندازهای زیست محیطی خود بکوشند و به ارزش پدیده‌های موجود در آن واقف باشند، زیرا آثار موجود باقی‌مانده بر روی کره مسکون هر لحظه ممکن است در معرض خطر جدی قرار گیرند، به طوری که ایجاد یا احیای مجدد آن دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود و با نابودی آن هویت فرهنگی و بسترهای زیست محیطی مناسب از بین خواهند رفت و توسعه‌ای ناپایدار حاکم خواهد شد که خطرهای جدی آن آیندگان را بیشتر تهدید خواهد کرد.

پژوهش در مورد حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و محیط زیست برای تداوم بقای انسان به قدری حایز اهمیت است که یونسکو تمامی کشورهای جهان را بر آن داشته است که روشهای نوینی را برای حفظ و حراست آنها به کار گیرند. بدون تردید عامل توسعه فرهنگی نیز می‌تواند از میراث طبیعی و فرهنگی محافظت کند و در این ارتباط، محیط نیز خود سبب گسترش ارزشهای فرهنگی می‌شود که این امر یکی از مهمترین اهداف توسعه پایدار است، زیرا زمانی که افراد یک جامعه فرهنگ خود را غنی می‌سازند نسبت به لزوم حفظ میراث طبیعی و مسائل زیست محیطی خود آگاه می‌شوند، در این مورد بر نقش آموزش نیز در تمامی سطوح باید تأکید شود، زیرا آموزش موجب رشد و توسعه فرهنگی خواهد شد و آثار مثبت خود را به دنبال خواهد داشت، در فرهنگ توسعه نیز هدف این است که میراث فرهنگی و طبیعی آسیبی وارد نشود. از این رو مراقبت از میراث فرهنگی و طبیعی بخش لازم یک سیاست فرهنگی است و دولتها در این خصوص می‌توانند بسیار کمک کنند و مؤثر واقع شوند. امروزه کنوانسیون میراث جهانی پاسخگوی نیاز جهانی برای ثروتهای طبیعی و فرهنگی است که به تمامی انسانها تعلق دارد و نه تنها به اختیارات مستقل دولتهای ملی احترام می‌گذارد، بلکه کشورهای جهان را تشویق می‌کند که امر حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی خود را جدی بگیرند. کنوانسیون میراث جهانی در بالا بردن آگاهیهای مردمی در سراسر جهان نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کند و برنامه‌های متنوعی را در دستور کار خود قرار داده است که تماماً اهداف توسعه پایدار را به دنبال دارند.



6-منابع

- 1-انصاری، ج. فرهنگ، میراث و تمدن، فصلنامه تاریخ، هنر و معماری، سال ششم، شماره 21، پاییز 1384
- 2-پاپلی یزدی، م. اهمیت مسأله محیط زیست، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال دهم، شماره 1، بهار 1374.
- 3-پیام یونسکو، میراث جهانی، میراثی برای همه، سال بیستم، شماره 219، اوت 1988، شهریور 1367.
- 4-رضوانی، ع. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، سال هشتم، شماره 22 و 23، پاییز و زمستان 1379.
- 5-ژرژ تومه، توسعه فرهنگی و محیط زیست، ترجمه محمود شارع پور، مرکز پژوهشهای بنیادی، زمستان 1373.
- 6-سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، فصلنامه علمی و آموزشی فضای سبز، سال اول، شماره چهارم، پاییز 1372.
- 7-سازمان حفاظت محیط زیست، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره سوم، پاییز 1373.
- 8-یونسکو، سازمان حفاظت محیط زیست، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره سوم، پاییز 1376.
- 9-یونسکو، طبیعت و منابع(فصلنامه پژوهشهای محیط زیست و منابع طبیعی)، شماره 6، سال 1375.
- 10-یونسکو، طبیعت و منابع(فصلنامه پژوهشهای محیط زیست و منابع طبیعی)، شماره 7، سال 1376.